

گفت‌وگوی «جوان» با مدرس دانشگاه و طراح برگزیده

پوشش برگزیده ایرانی – اسلامی گوشه کمد خاک می خورد!

جشنواره برگزار می‌شود، طرح‌های برگزیده تقدیر می‌شوند اما هیچ حمایتی از تولید آنها نمی‌شود

جریان مدولباس در کشورمان جریان پیچیده‌ای است. در حالی که حدود دوهه از تشکیل دبیرخانه ساماندهی مدولباس می‌گذرد تاکنون جشنواره‌های متعددی در گوشه و کنار کشور در حوزه مدولباس برگزار شده است تا طراحان را به طراحی مدهای ایرانی – اسلامی ترغیب کند، باز هم انگار نبض مدولباس هنوز به دست خودمان نیست و نه فقط ذائقه اجتماعی بلکه حتی ذائقه طراحان ایرانی را مدهای غربی و غیراسلامی هدایت می‌کند. خروجی این ماجرا هم می‌شود آنچه در سطح کوچه و خیابان می‌بینیم و با نوعی سلخستگی فرهنگی در عرصه مدولباس مواجهیم، در نتیجه این ماجرا چالش‌های دیگری همچون مسئله حجاب هم قوت می‌گیرد چراکه یکی از مؤلفه‌های مهم در طراحی مدها و لباس ایرانی – اسلامی مسئله پوشیدگی و حجاب است. از سوی دیگر به دلیل رهاشدگی حوزه مدولباس انگار مسئولان امر برای رفع تکلیف از خود جشنواره‌هایی را برگزار می‌کنند و طرح‌هایی را به عنوان منتخب در نظر می‌گیرند، اما در نهایت خروجی این جشنواره‌ها برای رسیدن به سطح جامعه و تولید انبوه حمایت نمی‌شود. اینها موضوعاتی است که در گفت‌وگو با ترگس هاشم‌زاده، طراح لباس و مدرس دانشگاه و برگزیده جشنواره مدولباس فرخ‌دخت مورد بررسی قرار داده‌ایم.

خانم هاشم‌زاده! سال‌هاست بحث مدولباس

به شکلی ساماندهی شده تر مورد توجه قرار گرفته است اما در سطح جامعه همچنان با نوعی سلخستگی مواجهیم و مدهایی که در سطح جامعه می‌بینیم، مدهایی نیست که بر مبنای جریان ایرانی – اسلامی شکل گرفته باشد! شما از فعالان حوزه مطالعات هستید و طرح تان سال گذشته در جشنواره مدولباس فرخ‌دخت منتخب شده است. به عنوان یک طراح لباس و فعال این حوزه چالش اصلی را در چه می‌بینید؟

مشکلی که ما در حوزه طراحی با آن مواجه هستیم، این است که اکثر طراحی‌ها فشن هستند و طراحان بیشتر در زمینه‌های فشن کار می‌کنند. طراح لباس ایرانی – اسلامی خیلی کم داریم. اخیراً هنر جوان، دانشجویان و حتی دانش‌آموزان به رشته‌های طراحی لباس علاقه‌مند شده‌اند و در دانشگاه‌ها دانشجویان بسیاری برای طراحی و دوخت



شرکت می‌کنند اما در حال حاضر اغلب کسانی که به حوزه طراحی لباس وارد می‌شوند، طراحی لباس را در طراحی فشن می‌دانند و بیشتر در حوزه طراحی فشن فعالند تا طراحی ایرانی – اسلامی! طراحی که ما داریم، اکثراً طراحی فشن را می‌پسندند و وقتی ما صفحات اینستاگرامی طراحان‌مان را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که بیشتر لباس‌های نیمه‌عریان را به عنوان طرح‌های خوب قلمداد می‌کنند و طرح‌های ایرانی – اسلامی کمتر مورد استقبال قرار می‌گیرد. در حال حاضر هم که جشنواره برگزار می‌شود از ما مشورت می‌گیرند، می‌بینیم همه باین معضل مواجهند که چگونه لباس‌های با معرفه‌های ایرانی – اسلامی طراحی کنند، لباسی که فقط با پوشش باشد یا دکمه بخورد؟! حالا باید یک تدبیری بیندیشیم که بتوانند لباس را زیبا تر کنند و فقط آرازی لباس جلو باز باشد، جلوه دار!

شما برگزیده جشنواره سال گذشته مدولباس فرخ‌دخت بودید. طرح شما چه ویژگی‌هایی داشت که برگزیده شد؟

جشنواره در فخرتخت چهارمین سالی است که برگزار می‌شود. سال اول به خاطر آنکه تبلیغات کمی صورت گرفت، شرکت کنندگان زیادی در این جشنواره شرکت نکردند و بیشتر در سطح شهرستان برگزار

شد. سال گذشته طراحان بیشتری استقبال کردند و برای جشنواره آثار فرستادند. طرح من هم که سال گذشته به عنوان طرح برتر انتخاب شد، از محراب مسجد الهام گرفتم و آیات قرآن را که در داخل محراب هست، به صورت شعر در آوردم و طراحی‌اش را انجام دادم. برای قسمت اصلی طرح پارچه زرشکی انتخاب و قسمت محراب را با پارچه رنگ کرم و نوشته‌های زرشکی طراحی کردم.

آیا در چنین جشنواره‌هایی هم با چالش‌ها رانه مدل‌های متناقض با مدهای ایرانی – اسلامی را شاهد هستید؟

امسال در چهارمین سال جشنواره خیلی گسترده شده است و بسیاری از دانشجویان دنبال آن هستند که طراحی فشن را که در دانشگاه پیدا گرفته‌اند، به طراحی ایرانی – اسلامی تبدیل کنند و نمی‌دانند چگونه باید طرح‌شان را به یک طرح با حجاب و مناسب فضای ایرانی – اسلامی تبدیل کنند! مثلاً می‌گویند در حال حاضر لباس‌های کوتاه یا لباس‌های لث منم است. سال گذشته دانش‌آموزان در جشنواره فرخ‌دخت گفتند که این لباس‌ها برای مادران است و برای ما دانش‌آموزان فکری نکرده‌اید، به همین خاطر امسال ما خود بچه‌ها را هم درگیر کردیم و از آنها خواستیم خودشان برای خودشان طراحی لباس داشته باشند! تشویق‌شان کردیم تا لباس‌هایی با فضای ایرانی – اسلامی طراحی کنند تا بچه‌ها خودشان وارد حوزه طراحی شوند و احتمال دادیم اقبال‌شان به آنچه خودشان طراحی کرده‌اند، بیشتر است، زیرا می‌توانند نزدیک‌تر به ذائقه خودشان طراحی داشته باشند. ما سال گذشته تک‌به‌تک سر کلاس‌ها رفتم و با بچه‌ها صحبت کردم تا آنچه مدنظرشان است و دوست دارند را طراحی کنند و ارائه دهند.

خانم هاشم‌زاده در فرایند تولید لباس به



نظر می‌رسد تولیدکننده دنبال سود خود و طرح لباس به دنبال دیده شدن است و اینکه لباسی که تولیدکننده تولید می‌کند، خریدار بازار داشته باشد. طرح هم به دنبال آن است که تولیدکننده طرح‌ش را بیسندد. به نظر می‌رسد مشکل این است که ذائقه نسل جوان و حتی ذائقه اجتماعی در حوزه مدولباس از طرف طراحان ایرانی هدایت و مدیریت نمی‌شود و همانطور که اشاره داشتید حتی ذائقه طراح‌ها سازا مزون‌های زیرزمینی طرح‌های آن طرف آبی شکل می‌دهد. سؤال من چرایی این ماجراست و اینکه چرا ما نتوانستیم به ذائقه مدولباس را در جامعه مدبریت کنیم، در حالی که اگر این اتفاق می‌افتاد، شاید بخشی از معضل حجاب هم در جامعه حل می‌شد! چراکه همانطور که اشاره داشتید، لباس جلوپا یا بدون دکمه پوشش لازم را هم ندارد اما وقتی مد می‌شود، ذائقه جامعه هم به سمت آن می‌رود، از نگاه شما مشکل چیست که جامعه به سمت مدهای ایرانی – اسلامی که جذابیت خاص خودشان را هم دارند، نمی‌رود. در حالی که در دنیا هم مدهای پوشیده‌مورد توجه قرار گرفته است. از نظر شما به عنوان یک طراح لباس مشکل ما چیست؟

یکی از دلایلی که جوانان ما بیشتر سراغ مدهای غربی می‌روند، راحتی پوشش آنهاست یا حجم کمتری دارند و سبک‌ترند. همچنین معمولاً رنگ‌ها روشن و شاد می‌دارند یا تلفیق پارچه‌ها جذاب‌تر است. انگار جوانان امروزی حوصله بستن زیپ و دکمه ندارند!

همانطور که می‌فرمایید، این موضوعات فرهنگی چه تأثیرگذار است. وقتی با اقوام، آشنایان یا دانشجویان مواجه می‌شوم، می‌بینم که لباس‌هایی را می‌ورد توجه قرار می‌دهند که در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی می‌بینند و این مسئله بیشترین تأثیر را روی ذائقه جوانان ما در خصوص مواجهه با مدها می‌گذارد.

بله، بحث‌های فرهنگی که صدرصد تأثیرگذار است. وقتی با اقوام، آشنایان یا دانشجویان مواجه می‌شوم، می‌بینم که لباس‌هایی را می‌ورد توجه قرار می‌دهند که در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی می‌بینند و این مسئله بیشترین تأثیر را روی ذائقه جوانان ما در خصوص مواجهه با مدها می‌گذارد.

توجه به اینکه جشنواره‌های مختلف برگزار می‌شود و طرح‌هایی هم برگزیده شده و مورد تشویق قرار می‌گیرد، پس این طرح‌ها کجا می‌رود، چرا خروجی این جشنواره‌ها را در سطح جامعه و در تولید انبوه مشاهده نمی‌کنیم؟

همانطور که می‌دانید سال گذشته طرح خود من برگزیده شد و انتظار داشتم اینگونه نباشد که من یک طرحی زده و یک دوختی اجرا کرده باشم اما در نهایت گوشه کمد خاک بخورد! این طرح کاملاً پد خودم بود و هیچ مشابهی ندارد و برای آن زحمت زیادی کشیده شد و من هم لوجی دریافت کردم و یک تقدیری شد و همه چیز تمام شد! هیچ استقبالی نشد تا از طرح من به عنوان یک طرح منتخب استفاده شود و به تولید انبوه برسد. در حالی که طرح من هزینه خیلی زیادی هم نداشت و با هزینه چاپ و دوخت با وجود آنکه فقط یک دست لباس بود، حدود ۵/۱ میلیون تومان هزینه برد. در حالی که اگر بنا بود به تولید انبوه برسد، شاید با یک میلیون تومان می‌شد این لباس را عرضه کرد. همچنین طرح من قابلیت این را داشت تا برای سنین مختلف بازطراحی شود، حتی در آن زمان وقتی من می‌خواستم برای آن کدشیم بگیرم، سایت مشکل داشت و نتوانستم این کار را انجام دهم! در واقع من این لباس را ارائه دادم و برگزیده شد اما هم اکنون آن را در کمد لباس‌ها گذاشتم و هیچ اتفاقی نیفتاد! در حالی که این کار می‌توانست به‌بازار پیوند بخورد و تولیدکننده دبیرخانه ساماندهی مدولباس می‌توانستند به این مسئله ورود کنند. به جز طرح من سال گذشته طرح‌های بسیار جالبی داشتیم که می‌توانست مورد توجه قرار بگیرد اما متأسفانه این اتفاق نیفتاد.

آیا فضایی فراهم است تا تولیدکننده‌ها در جشنواره‌های مختلف از جمله جشنواره فرخ‌دخت شرکت کنند و طرح‌هایی مثل طرح شما مورد ارزیابی آنها قرار گیرد تا آن حلقه اتصال بین تولیدکننده و طراح شکل گیرد؟

بله سال گذشته تا یک ماه نمایندگان برگزار و فقط یک هفته برای بازدید عموم بود و بقیه این مدت برای بازدید می‌روند، راحتی پوشش آنهاست یا حجم کمتری دارند و سبک‌ترند. همچنین معمولاً رنگ‌ها روشن و شاد می‌دارند یا تلفیق پارچه‌ها جذاب‌تر است. انگار جوانان امروزی حوصله بستن زیپ و دکمه ندارند!

بله، بحث‌های فرهنگی که صدرصد تأثیرگذار است. وقتی با اقوام، آشنایان یا دانشجویان مواجه می‌شوم، می‌بینم که لباس‌هایی را می‌ورد توجه قرار می‌دهند که در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی می‌بینند و این مسئله بیشترین تأثیر را روی ذائقه جوانان ما در خصوص مواجهه با مدها می‌گذارد.

بله، بحث‌های فرهنگی که صدرصد تأثیرگذار است. وقتی با اقوام، آشنایان یا دانشجویان مواجه می‌شوم، می‌بینم که لباس‌هایی را می‌ورد توجه قرار می‌دهند که در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی می‌بینند و این مسئله بیشترین تأثیر را روی ذائقه جوانان ما در خصوص مواجهه با مدها می‌گذارد.

بله، بحث‌های فرهنگی که صدرصد تأثیرگذار است. وقتی با اقوام، آشنایان یا دانشجویان مواجه می‌شوم، می‌بینم که لباس‌هایی را می‌ورد توجه قرار می‌دهند که در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی می‌بینند و این مسئله بیشترین تأثیر را روی ذائقه جوانان ما در خصوص مواجهه با مدها می‌گذارد.

ویرترین



حماسه کوثریه

کتاب «حماسه کوثریه» اثر مجید زجاجی کاشانی، به شرح مبارزات حضرت فاطمه زهرا (س) و تحلیلی از زندگانی اهل بیت عصمت (ع) می‌پردازد.

این کتاب در ابتدا شروع به بررسی شمه‌ای از اوضاع اعراب قبل از اسلام و هنگام ظهور اسلام، ساختار خانه‌های مدینه، بررسی متون تاریخی مبنی بر آتش گرفتن در خانه حضرت زهرا می‌کند. در ادامه با پاسخ به پرسش‌هایی همچون آیا امام‌المؤمنین علی (ع) یعنی صورت گرفته است؟ آیا یک مرتبه برای اخذ بیعت به خانه حضرت علی (ع) آمدند؟ آیا حضرت زهرا (س) موفق شدند از بیعت جلوگیری کنند؟ مسئله بیعت را بررسی می‌کند.

در بخش‌های بعدی علت شهادت فاطمه (س)، رنج‌ها و فریادها، آخرین لحظات زندگی و در آخر هم وقایع بعد از شهادت رسیدن از ورود امام حسن و امام حسین (ع) به خانه تا مراسم تشییع و تدفین ایشان و مظلومیت‌های حضرت علی (ع) را نشان می‌دهد.

در بخشی از کتاب حماسه کوثریه می‌خوانیم: ای پدر فاطمه! در محضر خدا دختر تو مخیانه به خاک سپرده شد... ولی برای علی (ع) خیلی سخت است مشاهده این لحظات و شنیدن صدای سوزناک یتیمان فاطمه (س)، چگونگی می‌توان آن لحظه و صحنه‌ها را تحمل کرد؟! این صحنه‌هایی که یکی پس از دیگری جلوی چشمان گریان علی (ع) ظاهر می‌شود، اکنون شبیه‌ترین مردم از حیث سیمیا و رفتار و سخن گفتن به رسول خدا (ص) را به خاک سپرده، اولین شهید آل محمد (ص)، شهیدی که حشق پایمال شده را دفن می‌کند و از طرفی درد با شدیدترت وجه ممکن به علی (ع) روی آورده، زیرا به فقدان همسری که حوریه‌ای به صورت انسان بود و در میان زنان، هم‌سطح و نظیر و ماندنی نداشت، گرفتار آمده بود، بنابراین هنگامی که تمام این صحنه‌ها را پیش‌رو دارد، پس از اینکه خست‌ها را چید و حاضران خاک‌ها را بر پیگرد آن مظلوم ریختند، در این لحظه‌ها بود که دست خود را تکان داد تا خاک‌های قبر را از دست بیفشانند، در حالی که قطرات اشک روی گونه‌هایش غلطان بود، فرمود: «کَمْ مَقْتَحٌ وَ مَهْمُ مَهْمِجٌ»، «فضه‌ای دارم که دل را خون می‌کند و آندوهی دارم که به جوشش درآمده است»، چه زود خدا میان ما جدایی انداخت و من از این فراق به خدا شکایت می‌برم و ای رسول خدا (ص)، به زودی دخت شما برای شما خیر خواهد آورد که امت شما علیه من، یکدیگر همدست شدند و حق دخترت را پایمال کردند، سرگذشت را از او بپرس و گزارش را از او بخواه، آری، آن بزگرم بر شبرت در عین حال، همه خود دل خوردن‌ها و زنج‌های سیمیا، بر دباری را پیشه ساخته و می‌فرماید: «فصلوات الله علیها و علیک و رحمۃ الله و بركاته».



حقوق بشر غربی

استفاده کارمندان زن از حجاب را ممنوع کرد!

دیوان دادگستری اتحادیه اروپا روز سه‌شنبه در حکمی به مقام‌های کشورهای عضو اجازه داد استفاده کارمندان بخش دولتی از نشانه‌هایی را که ریشه در اعتقاد مذهبی فرد دارد، ممنوع کنند.

این حکم در چارچوب رسیدگی به پرونده شکایت زنی صادر شده است که مقام‌های محلی در یکی از شهرهای بلژیک به او اجازه استفاده از حجاب را در محل کار ندادند.

شهرداری شهر «آن» در شرق بلژیک به دنبال اعتراض این کارمند زن مقررات استخدامی خود را تغییر داد. بر همین اساس دیگر کارمندان شهرداری اجازه ندارند از نشانه‌هایی استفاده کنند که بیانگر اعتقادات مذهبی یا ایدئولوژیک آنها باشد.

کارمند زن شهرداری «آن» (An) با این استدلال که آزادی مذهبی او نقض شده است، تصمیم مقام‌های محلی را از نظر حقوقی به چالش کشید. استفاده از حجاب از سوی زنان مسلمان طی دهه‌های

را پیوند زناشویی گذاشت. شکست نظر به کلیسا قطعی است. بنابراین لزومی ندارد ما بیش از این دربار نظر کلیسا و انتقاد از آن بحث نکنیم.

۳- اینکه از دواج از طرف مرد قابل فسخ و انحلال است و از طرف زن به هیچ نحو قابل انحلال نیست، در دنیای قدیم چنین نظری وجود داشته است، ولی امروز گمان نمی‌کنم طرفدارانی داشته باشد و به هر حال این نظر نیز احتیاجی به بحث و انتقاد ندارد.

۴- اینکه از دواج، مقدس و کانون خانوادگی محترم است، اما راه طلاق در شرایط مخصوص برای هر یک از زوجین باید باز باشد و راه خروجی زوج و زوجه از این بن‌بست باید به یک شکل و یک جور باشد.

مدعیان تشابه حقوق زن و مرد در حقوق خانوادگی که به غلط از آن به «تساوی حقوق» تعبیر می‌کنند، طرفدار این فریبه‌اند. از نظر این گروه همان شرایط و قیود و حدودی که برای زن وجود دارد، باید برای مرد وجود داشته باشد و همان راه‌ها که برای خروج مرد از این بن‌بست باز می‌شود عیناً باید برای زن باز باشد و اگر غیر از این باشد، ظلم و تبعیض ولراست.

۵- اینکه از دواج، مقدس و کانون خانوادگی محترم و طلاق امر منقور و مبغوضی است. اجتماع موظف است علل وقوع طلاق را از بین ببرد. در عین حال قانون نباید راه طلاق را برای ازدواج‌های ناموفق ببندد. راه خروج از قید و بند از دواج هم برای مرد باید باز باشد و هم برای زن، اما راهی که برای خروج مرد از این بن‌بست تعیین می‌شود راهی که برای خروج زن تعیین می‌شود دوستان و از جمله مواردی که زن و مرد حقوق نامشابهی دارند، طلاق است.

این نظریه همان است که اسلام ابداع کرده است و کشورهای اسلامی به طور ناقص (نه به طور کامل) از آن پیروی می‌کنند.

بر گرفته از کتاب نظام حقوق زن در اسلام

استاد شهید مرتضی مطهری

اسلام و نگاه متعادل به مسئله طلاق



کانون خانوادگی فراموش شده است و هم مسرت، صفا و صمیمیت و سعادت می‌تواند در اثر ادامه پیوند زناشویی و یکی شدن و یکی دانستن دو روح پیدا می‌شود، نادیده گرفته شده است. این فرضیه ناخفته‌ترین و ناشایسته‌ترین فرضیه‌ها در این زمینه است.



۲- اینکه از دواج یک پیمان مقدس است، وحدت دل‌ها و روح‌هاست و باید برای همیشه این پیمان ثابت و محفوظ بماند و طلاق از قلموس اجتماع بشری یا حذف شود. زن و شوهری که با یکدیگر ازدواج می‌کنند، باید بدانند که جز مرگ چیزی آنها را از یکدیگر جدا نمی‌کند.

این فرضیه همان است که کلیسای کاتولیک قرن‌هاست طرفدار آن است و به هیچ قیمتی حاضر نیست از آن دست بردارد.

اگر بنا شود قانون راه طلاق را باز بگذارد، بهتر است به چه شکلی باز بگذارد؟ آیا باید این راه تنها برای مرد یا برای زن باز باشد یا باید برای هر دو باز باشد؟ و بنا بر شق دوم، آیا بهتر است راهی که باز می‌گذارد برای زن و مرد به یک شکل باشد؟ راه خروجی زن و مرد از حصار ازدواج به یک نحو قرار دهد؟ یا بهتر این است که برای هر یک از زن و مرد یک در خروجی جداگانه قرار دهد؟

مجموعاً پنج فرضیه در مورد طلاق می‌توان اظهار داشت:

۱- بی‌اهمیتی طلاق و برداشتن همه قیودبندهای قانونی و اخلاقی جلوگیری از طلاق.

کسانی که به ازدواج تنها از نظر کامجویی فکر می‌کنند، جنبه تقدس و ارزش خانواده را برای اجتماع در نظر نمی‌گیرند و از طرفی فکر می‌کنند پیوندهای زناشویی هر چه زودتر تجدید و تبدیل شود، لذت بیشتری به کام زن و مرد می‌ریزد. این فرضیه را تأیید می‌کنند آن کس که می‌گوید: «عشق دوم همیشه دلپذیرتر است»، طراحان همین فرضیه است. در این فرضیه، هم ارزش اجتماعی